

آموزه زیارت در الهیات شیعی

قدرت الله قربانی^۱

چکیده

زیارت در الهیات شیعی، به لحاظ عملی، از آموزه‌ها و شعائر مهم است. اهمیت مناسک زیارت در آموزه‌های اساسی تر الهیات شیعی ریشه دارد. در واقع، الهیات شیعی شبکه‌ای از آموزه‌ها و شعائر دینی را تشکیل می‌دهد که در آن، اعتقادات بنیادین نقش اساسی را در توجیه معرفتی و عمل ایمانی دینداران در باب سطوح بعدی نظام اعتقادات و شعائر ایفا می‌کنند. به نظر می‌رسد در این شبکه الهیاتی، پدیده زیارت، به مثابه نوعی از مناسک و شعائر دینی، به لحاظ نظری و اعتقادی، در جایگاه ثانوی و چه بسا حاشیه‌ای آن قرار دارد؛ یعنی زیارت تنها مبتنی بر توجیه معرفتی و ایمانی نظام اعتقادات، بویژه باورهای اساسی الهیات شیعی، دارای پذیرش معرفتی و عملی است. با این ملاحظه، آنچه تاریخ عملی الهیات شیعه نشان می‌دهد مشکلات و چالش‌های خاص مربوط به پدیده زیارت است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. نگاه آسیب شناسانه نشان می‌دهد که آموزه زیارت، که عمدتاً عملی مستحبی است تنها هنگامی دارای کاربردی درست است که متناسب جایگاهش از آن استفاده گردد.

کلیدواژه‌ها: آموزه زیارت، الهیات شیعی، شبکه نظام اعتقادات، دینداری عوامانه.

مقدمه

زیارت از آموزه‌ها و اعمال مهم در الهیات شیعی به لحاظ کارکرد عملی و ظهورات اجتماعی آن است. شیعیان نه تنها به زیارت خانه خدا، بلکه زیارت قبور ائمه معصومین (ع)، فرزندان آنها و بزرگان مذهب شیعه اهتمام خاصی دارند. ساختن بناهای زیبا با معماری خاص اسلامی بر آرامگاه‌های امامان شیعه (ع) و بزرگان دین نیز نشان دهنده اهمیت زیاد مقام چنین

شخصیت‌های دینی است. همچنین وجود انواع زیارت‌نامه‌های منقول از امامان شیعه (ع) نشان دهنده جایگاه خاص ارتباط معنوی شیعیان با بزرگان این مذهب است. علاوه بر اینها، واقعه عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یاران او، زیارت کربلا را بعنوان یکی از مهم‌ترین اعمال عبادی و شعائر شیعیان معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد بر اعتقادات خاصی بنا شده باشد. نتیجه اینکه آموزه زیارت و تقید عملی شیعیان به آن و تجلی بیرونی آن در قالب بنای حرم‌ها یا آرامگاه‌ها برای امامان شیعه (ع) یا امام‌زادگان و بزرگان دین نیز، به لحاظ نمود و ظهور اجتماعی توانسته است تقریباً هویت متمایزی را برای امت شیعی تعریف کرده و تدارک ببیند. خلاصه اینکه به لحاظ تجلیات اجتماعی، زیارت در معنای دینی آن از وجوه متمایز و خاص سنت الهیات شیعی است که هر روزه نیز بر ابعاد آن افزوده می‌شود. از سوی دیگر تعهد یا تقید خاص شیعیان به آموزه زیارت بطور نسبی و با تفسیر خاصی در قرآن و هم بطور خاص در روایات منقول از ائمه معصومین به طریقی ریشه دارد. تعداد زیادی از روایات منقول از امامان شیعه (ع) وجود دارد که ابعاد نظری و عملی، چگونگی انجام اعمال زیارت، بویژه نتایج زیارت برای زائر و سلوک معنوی زائران در آنها بیان شده است. توجه به این روایات نشان می‌دهند که ظاهراً امامان شیعه (ع) به اهمیت و نقش پررنگ زیارت در آینده پیروان شیعه خود توجه خاصی داشته‌اند. ضمن اینکه آموزه زیارت در الهیات شیعی با دیگر آموزه‌های الهیاتی شیعه، چون توحید، توکل، توسل، شفا، شفاعت، امامت، ولایت، و نظایر آنها ارتباط نزدیکی دارند که رویکرد غلوآمیز و کج فهمی آن آموزه یا خطای شیعیان در عمل به آموزه زیارت ممکن است به نظام اعتقادی شیعی صدمات جدی وارد سازد. بر این اساس در این تحقیق تلاش می‌شود ضمن توجه به ساختار شبکه الهیات شیعی، جایگاه آموزه زیارت در آن بازخوانی شود تا امکان تأمل دوباره درباره اعتبار یا عدم اعتبار روایات منقول از امامان شیعه فراهم گردد. انجام این مهم ما را یاری می‌رساند تا ضمن بازشناسی جایگاه دقیق امر زیارت در شبکه الهیات شیعی، از رویکرد افراطی و غلوآمیز نسبت به آن اجتناب کنیم، بلکه نگاهی معقول و مبتنی بر عقل و نص معتبر داشته باشیم. در نتیجه تلاش خواهد شد تا نشان داده شود که در شرایط کنونی در جامعه شیعیان ممکن است چه نگرش‌های بعضاً افراطی و غلوآمیز نسبت به پدیده زیارت پدید بیاید و راه برون‌رفت از این چالش مهم الهیاتی

چيست؟

ساختار شبکه الهیات شیعی

مقدم بر بررسی جایگاه زیارت در شبکه الهیات شیعی، لازم است بطور مقدماتی ساختار این شبکه بررسی گردد. عموم عالمان دین و متکلمان مسلمان و شیعه بر ابتدای نظام اعتقادات اسلامی بر سه پایه مهم تأکید فراوان دارند که عبارتند از توحید، نبوت و معاد. عالمان شیعه تلاش دارند تا اعتقاد بر دو اصل امامت و عدل را هم بعنوان مکمل آن سه اصل، با عنوان اصول مذهب شیعه معرفی نمایند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱-۱۵۰). توجه به این پنج اصل دینی و مذهبی، هم اهمیت بنیادی آنها و هم اولویت آنها را نسبت به دیگر عناصر نظام اعتقادی شیعه نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، بدون ایمان به توحید، در معنای خاص اسلامی آن، چه بسا اعتقاد به دیگر اصول دینی توجیه منطقی چندانی نداشته باشد. همچنین اصل اعتقادی معاد، که به نظر می‌رسد بعد از توحید مبنایی‌ترین اعتقاد اسلامی و شیعی است، دارای چنین جایگاهی است. همچنین به نظر می‌رسد اصل نبوت، عامل پیوند دهنده دو اصل توحید و معاد و به عبارتی مکمل آنهاست. اصل عدل، البته یکی از صفات الهی است که به دلیل اختلاف فهم عالمان شیعه و اهل سنت از آن، در منظر عالمان شیعه بعنوان یک اصل و عامل ممیزه الهیات شیعی از الهیات اهل سنت در نظر گرفته شده است. همچنین آموزه امامت که با تفسیر خاص علمای شیعه، تداوم بخش اصل نبوت و عامل هدایت جامعه مسلمانان در دوران پس از پیامبر (ص) توسط امامان شیعه معرفی شده است. این طور به نظر می‌رسد که این پنج اصل سازنده بنای شبکه الهیات شیعی بسط یافته در تاریخ اعتقادی شیعیان هستند، به طوری که هم دیگر عناصر منشعب از این اصول و هم نظام احکام عبادی و شعائری و برخی احکام و افعال اخلاقی مومنان بر این اصول مبتنی هستند. معنای قول اخیر آن است که هر تفسیری از دیگر اجزای نظام شبکه الهیات شیعی یا هر عمل عبادی، اعم از واجب یا مستحب، و هر فعل اخلاقی دینی که تلویحا یا صراحتا در تضاد با اصول پنج گانه مذکور باشند، طبیعتا چنین مواردی پذیرفتنی نبوده و خلاف شبکه الهیات شیعی تلقی می‌شوند. به عبارت دیگر، همه مباحث توحید نظری یا عملی، توحید ذاتی یا صفاتی یا افعالی، یا مباحث مربوط به معاد

و جزئیات آن، مانند معاد جسمانی یا روحانی یا احوال نیکوکاران یا بدکاران، یا اوصاف نبی یا اوصاف امام، بایستی مبتنی بر ایمان به اصول پنج‌گانه مذکور و با استناد به قرآن و سنت معتبر و عقل باشند. ضمن اینکه همه اعمال عبادی و شعائری مسلمانان، اعم از واجب و مستحب، تنها با پذیرش این اصول و اعتقاد آگاهانه و قلبی به آنها می‌توانند دارای منطق پذیرش خود باشند.

با نظر به توضیحات ارائه شده، می‌توان گفت شبکه الهیات شیعی دارای سه سطح نظام اعتقادات، نظام اخلاق دینی و نظام احکام عبادی و اجتماعی است؛ که در آن، نظام اعتقادات بر دو نظام بعدی اولویت رتبی و سلسله مراتبی دارند، یعنی با ابطال نظام اعتقادات، به‌طور طبیعی حجیت نظام احکام عبادی و اخلاقی مبتنی بر آن نیز ساقط می‌گردد. ضمن اینکه در درون هر سه نظام اعتقادات، اخلاق و احکام عبادی و اجتماعی نیز سطوح و لایه‌های درونی، طولی و عرضی، وجود دارند، یعنی برای مثال، اعتقادات شیعی لزوماً در یک سطح و به‌طور بسیط نیستند، بلکه دارای سطوح و لایه‌های طولی و بعضاً عرضی هستند، که نگارنده از چنین نظامی به سطوح تشکیکی نظام اعتقادات دینی تعبیر می‌کند. همین ویژگی درباره نظام اخلاقیات دینی و احکام عبادی و اجتماعی نیز قابل ملاحظه است. در توضیح ویژگی تشکیکی نظام اعتقادات شیعی باید گفت، در این نظام، هر اعتقاد دینی، حکم عبادی یا فعل اخلاقی، بر اعتقاد، حکم یا فعلی مقدم بر آن استوار است؛ به این معنا ضمن اینکه اخلاقیات و عبادیات و شعائر (مناسک دینی) از نظام باورها تغذیه کرده و اعتبار خود را از آنها می‌گیرند، خود نظام باورها، عبادیات، شعائر و اخلاقیات دینی نیز دارای نظامی شبکه‌ای و تشکیکی هستند که در آن احکام عبادی بنیادی‌تر و اخلاقیات اساسی‌تر، حجیت‌بخش به احکام عبادی، شعائری و اخلاقیات مرتبه بعدی هستند و آنها را حمایت معرفتی می‌کنند.

جایگاه قرآنی زیارت در شبکه الهیات شیعی

با نظر به توضیحات داده شده درباره شبکه الهیات شیعی می‌توان جایگاه زیارت را در چنین نظام الهیاتی شناسایی کرد. در این خصوص به‌طور طبیعی رجوع به قرآن و سپس روایات معتبر اهمیت خاصی دارد. عمده آیات قرآنی ناظر به زیارت درباره زیارت خانه خدا؛ یعنی اعمال حج است. در آیات زیادی از قرآن بر وجوب انجام اعمال حج و جزئیات نحوه انجام

آن تاکید می‌گردد. همچنین بر این تاکید می‌شود که انجام زیارت خانه خدا به عنوان نمونه‌ای از شعائری الهی است، که البته در انجام آن و کیفیت عمل به آن شرایط بیرونی و استطاعت مومنان نیز شرط است (نک: بقره، ۱۵۸ و ۱۹۶؛ حج، ۲۷ و ۳۲).^۱ در عین حال ضمن تاکید فزاینده قرآن بر نقش تذکر دهنده‌گی حج بر یاد خدا، اما آن را واجبی مطلق برای مومنان لحاظ نمی‌کند، بلکه مجموعه شرایط اجتماعی و فردی مومنان است که در نهایت تعیین می‌کند که قادر به ایفای وظیفه دینی خود در بجا آوردن اعمال حج هستند یا نه. اگرچه اگر کسی با وجود همه شرایط برای انجام اعمال حج از انجام آن استنکاف ورزد، مطابق آیات قرآن مورد مواخذة و عقوبت الهی قرار خواهد گرفت (بقره، ۲۰۳).^۲

برخی روایات منقول درباب زیارت

کتب روایی شیعه بر وجود روایات متعدد درباب زیارت دلالت دارد. در این کتب روایاتی دال بر اهمیت و جایگاه زیارت، ثواب زیارت مرقد پیامبر اکرم (ص)، اموات مومنان و به‌طور خاص مرقد امامان شیعه (ع) به فراوانی یافت می‌شود. این گونه روایات به تفصیل به نحوه زیارت قبور بزرگان دین، و بویژه ثواب أُخروی و نتایج دنیوی آن تاکید خاصی دارند. از نکات جالب توجه تاکیدات فراوان روایات زیارت، امکان ارتباط معنوی بین زائر و مزور است، بویژه اینکه از طریق اعمال زیارت برای زائران امکان دریافت مواهب معنوی، بخشش الهی و نظایر آن فراهم می‌گردد. در این زمینه، آموزه کلامی نهفته در پدیده زیارت آن است که بین حیات و ممات فرد زیارت شونده، برای نمونه پیامبر (ص) یا امام (ع)، فرقی نیست، بنابراین در هر دو حالت امکان برقراری ارتباط معنوی و بهره‌مندی از بزرگان دینی فراهم

۱. إِنَّ الصَّافَةَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا (بقره، ۱۵۸)؛ وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ (بقره، ۱۹۶)؛ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (حج، ۲۷)؛ ذَلِكَ وَمِنْ عَظَمِ شَعَائِرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج، ۳۲).

۲. وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (بقره، ۲۰۳).

است. در این زمینه برخی اندیشمندان شیعه با اشاره به مفاد آیه ۶۴ سوره نساء^۱ استناد می‌کنند که در آن بر امکان استغفار رسول خدا (ص) برای مومنان اشاره شده است؛ به این معنا که فرد زیارت شونده، مانند پیامبر، هم شنونده دعای زائر و هم قادر بر آوردن حاجات دنیوی و آخروی اوست (نک: صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ص ۸۸؛ سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۳). برخی اندیشمندان شیعه هم زیارت مرقد بزرگان دین را با استناد به آیه ۳۲ سوره حج، نشانه تعظیم شعائر الهی می‌دانند، و با این استدلال که بزرگداشت آنها، بزرگداشت دین و آموزه‌های دینی است، بر اهمیت زیارت تاکید فراوان دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۳۸؛ سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۴۴).

اکنون با نظر به دیدگاه مذکور، اگر به روایات کتب شیعی رجوع شود به انبوهی از احادیث درباب زیارت بزرگان دین، بویژه پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه (ع)، و به‌طور خاص امام حسین (ع) برخوایم خورد که در ادامه برخی از آنها ذکر می‌گردد:

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس مرا زیارت کند، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، من هم روز قیامت به زیارت او می‌روم و او را از هول و هراس‌های قیامت می‌رهانم (مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۲۳).^۲

پیامبر اسلام (ص) فرمود: هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود^۳ (وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۶۱).

امام صادق (ع) در جواب «ابن‌مارد»، که از آن حضرت درباره فضیلت زیارت جدش امیر المؤمنین (ع) سؤال کرد، فرمود: هر کس جدم را حق‌شناسانه و از روی معرفت به حق او زیارت کند، خداوند در برابر هر گام، برایش پاداش یک حج و عمره مقبول می‌نویسد. به خدا قسم ای پسر مارد! هرگز آتش، قدمی را که در راه زیارت امیرالمؤمنین (سواره یا پیاده)

۱. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (نساء، ۶۴).

۲. مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَنْقَذْتُهُ مِنْ أَهْوَالِهَا.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ اتَّانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

غبار آلود شود، نمی سوزاند. ای پسر مارد! این حدیث را با آب طلا بنویس! (وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۹۴).^۱

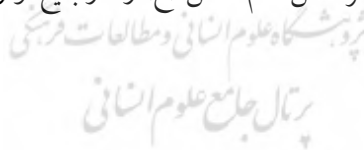
امام محمد باقر (ع) فرمود: شیعیان ما را دستور دهید که قبر حسین بن علی (ع) را زیارت کنند، چرا که رفتن به زیارت او، بر هر کس که به پیشوایی الهی آن حضرت معتقد است، واجب است (بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۱، ۳ و ۴).^۲

پیامبر خدا (ص) فرمود: بزودی پاره‌ای از تن من در سرزمین خراسان به خاک سپرده خواهد شد. هیچ مؤمنی نیست که او را زیارت کند مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب می کند و بدنش را بر آتش دوزخ حرام می سازد (من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵).^۳

پیامبر اکرم (ص) درباره شهادت امام حسین (ع) و زیارت قبر آن حضرت به ابن عباس فرمود: هر کس او را زیارت کند، مرا زیارت کرده است و هر که مرا دیدار کند، گویی خدا را زیارت کرده است و بر خداوند است که او را به آتش دوزخ عذاب نکند (وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۵۲).^۴

امام صادق (ع) فرمود: هر کس که روز عاشورا امام حسین (ع) را زیارت کند، بهشت برای او واجب می شود (وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۷۲).^۵

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس امام حسن (ع) را در بقیع او زیارت کند، در روزی که



۱. قال الصادق (ع): من زار جدی عارفا بحقه كتب الله له بكل خطوة حجة مقبولة و عمرة مبرورة، و الله یابن مارد ما تطعم النار قدما تغبرت فی زیارة امیر المؤمنین ماشیا کان او راکبا، یا ابن مارد! اکتب هذا الحدیث بماء الذهب.

۲. قال الباقر (ع): مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین بن علی (ع) فان اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقر للحسین (ع) بالأمامة من الله.

۳. قال الباقر (ع): مروا شیعتنا بزیارة قبر الحسین بن علی (ع) فان اتیانه مفترض علی کل مؤمن یقر للحسین (ع) بالأمامة من الله.

۴. قال رسول الله (ص): من زاره فقد زارنی و من زارنی فکانما زار الله و حق علی الله ان لا یعذبه بالنار.

۵. قال الصادق (ع): من زار الحسین (ع) فی یوم عاشورا وجبت له الجنة.

قدم‌ها می‌لغزد، گام او بر صراط، استوار خواهد بود (بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۴۱).^۱

امام صادق (ع) فرمود: خداوند حرمی دارد که «مکه» است، پیامبر خدا را هم حرمی است که «مدینه» است و امیر المؤمنین هم حرمی دارد که «کوفه» است. و ما امامان حرمی داریم که «قم» است. بزودی بانویی از فرزندان من به نام «فاطمه» در آنجا مدفون خواهد شد که هر کس او را زیارت کند، بهشت برایش واجب می‌شود (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۷).^۲

محمد بن مسلم از امام باقر (ع) روایت کرده است: اگر مردم می‌دانستند، زیارت امام حسین (ع) چقدر فضیلت و ثواب دارد، به درستی که از شوق می‌مردند و نفس‌هایشان از روی حسرت بند می‌آمد. گفتم: چقدر فضیلت دارد، حضرت فرمودند: هر کس امام حسین (ع) را زیارت کند از روی اشتیاقی که به او دارد، خدا برایش هزار حج مقبول و هزار عمرهٔ مبروره و اجر هزار شهید از شهداء بدر و اجر هزار روزه‌دار و ثواب هزار صدقهٔ قبول شده و ثواب هزار بنده آزاد کردن که مراد از آن رضای خدا باشد، می‌نویسد (وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۵۳).^۳

امام موسی بن جعفر (ع) فرمودند: کمترین آنچه از ثواب که به زائر ابا عبدالله (ع) کنار نهر فرات داده می‌شود آنگاه که حق و حرمت و ولایت او را بشناسد، این است که آنچه از گناهان پیش فرستاده و بعداً می‌فرستد (گناهان گذشته و آینده او) آمرزیده می‌شود (الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲).^۴

امام صادق (ع) فرمودند: همانا برای خداوند عز و جل ملائکه‌ای موکل نزد قبر امام حسین

۱. قال رسول الله (ص): من زار الحسن في بقیعه ثبت قدمه علی الصراط یوم تزل فیہ الأقدام.

۲. قال الصادق (ع): ان لله حرما و هو مكة، و لرسوله حرما و هو المدينة، و لأمیر المؤمنین حرما و هو الكوفة، و لنا حرما و هو قم، و ستدفن فیہ امرأة من ولدی تسمى فاطمة من زارها و جبت له الجنة.

۳. عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر قال لو يعلم الناس ما فی زیارة الحسین من الفضل لما توار شوقاً و تقطعت أنفسهم علیه حسرات قلت و ما فیہ قال من زاره شوقاً إلیه كتب الله له ألف حجة مقبولة و ألف عمره مبرورة و اجر ألف شهید من شهداء بدر و اجر ألف صائم و ثواب ألف صدقة مقبولة و ثواب ألف نسمة أريد بها وجه الله.

۴. قال أبو الحسن موسى ع أدنى ما يناب به زائر أبي عبد الله ع بسط الفرات إذا عرف حقه و حرمة و ولايته أن يغفر له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر.

(ع) می‌باشد، هنگامی که احدی قصد زیارتش را می‌نماید، گناهانش را به آنها عطا می‌کند و همین که گام برمی‌دارد آن گناهان را محو می‌کند، پس هنگامی که گام برمی‌دارد حسناش را مضاعف می‌نماید، همچنان حسنات او مضاعف می‌گردد تا اینکه بهشت بر او واجب می‌شود، سپس ملائکه او را میان خود دربرمی‌گیرند و او را مقدس می‌گردانند و ملائکه آسمان ندا می‌کنند که زوار قبر حبیب خداوند را مقدس بدارید، هنگامی که غسل می‌کنند حضرت محمد (ص) آن را ندا می‌کند. بشارت باد شما را بر همراهی با من در بهشت. پس آنها را امیرالمؤمنین (ع) ندا می‌کند من حوائج شما و دفع بلا از شما را در دنیا و آخرت ضامن هستم. پس آن ملائکه زائران را از جانب راست ایشان و چپ ایشان، در برمی‌گیرند تا اینکه به سوی اهل خود برمی‌گردند (ثواب الاعمال، ص ۹۲).^۱

بررسی انبوه فراوان چنین روایات منقول در کتب روایی شیعه بر وجود ویژگی‌های مهم آموزه زیارت، که منتج از این گونه روایات است، دلالت دارد. به عبارت دیگر لازمه منطقی پذیرش و عمل بر چنین روایاتی یا مبتنی بر برخی مبانی کلامی و اعتقادی است یا برخی نتایج عملی مرتبط با نظام اعتقادات را به دنبال دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

ثواب فزاینده امر زیارت: از جمله نتایج ناشی از این گونه روایات، تلقی این دیدگاه به زائر است که گویا زیارت از خیلی از امور دینی حتی واجب، مانند نماز و روزه، مهم‌تر بوده، لذا دارای ثواب فزاینده و چه بسا نامحدود است. پس بر انسان مومن شایسته است که بیشترین تلاش خود را در احیای مناسک زیارت هزینه کند تا از ثواب نامحدود آن محروم نگردد. بخشش گناهان و ورود تضمینی به بهشت: تاکید بر ثواب فزاینده زیارت برای زائر به

۱. عن أبي عبد الله ع قال: إن لله عز و جل ملائكة موكلين بقبر الحسين ع فإذا هم الرجل بزيارته أعطاهم ذنوبه فإذا أخطأ محوها ثم إذا أخطأ ضاعفوا له حسناته فما تزال حسناته تضاعف حتى توجب له الجنة ثم اكتفوه فقدسوه و ينادون ملائكة السماء أن قدسوا زوار قبر حبيب حبيب الله فإذا اغتسلوا ناداهم محمد ص يا وفد الله أبشروا بمرافقتي في الجنة ثم ناداهم أميرالمؤمنين علي ع أنا ضامن لحوائجكم و دفع البلاء عنكم في الدنيا و الآخرة ثم اكتفوه عن أيمانهم و عن شمائلهم حتى ينصرفوا إلى أهاليهم.

ویژه اینکه زیارت مرقد بزرگان دین موجب بخشش همه گناهان و وجوب ورود او به بهشت می‌گردد، در اکثر روایات شیعه به فراوانی به چشم می‌خورد. این امر نه تنها درباره زیارت مرقد پیامبر اسلام (ص)، بلکه امامان شیعه (ع) و حتی امام زادگان هم دیده می‌شود. ساده‌ترین پیام چنین احادیثی آن است که اگرچه تعهد به واجبات دینی و دوری از محرمات بر ما واجب است، اما چنانچه در این امر توفیقی نیافتیم، می‌توان از طریق رفتن به زیارت مرقد یکی از بزرگان دین، هم گناه قصورات مذهبی را تسویه نمود و هم بهشت تضمین شده را تصاحب کرد.

اهمیت و برتری زیارت بر دیگر واجبات دینی: اگرچه در روایات منقول شیعی بر وجوب شرعی زیارت مرقد پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع) اشاره نشده است، امام بیان اینکه زیارت مرقد پیامبر (ص) کامل کننده حج است یا توبیخ دینی شیعیانی که از رفتن به زیارت قبور این بزرگان خودداری کرده‌اند یا تاکید بر تلاش دولت اسلامی برای رونق دادن زیارت مرقد بزرگان دین و معرفی این عمل بعنوان نمونه‌ای از بزرگداشت شعائر دینی، تلقی کننده این دیدگاه است که گویا در مذهبی چون شیعه آنچه مهم است ظهور بعد خارجی این مذهب در قالب عمل به مناسک دینی چون زیارت است و چه بسا تعهد به وظایف عبادی، اخلاقی و دینی خصوصی مومنان مورد تاکید چندان نیست. برای نمونه در حدیثی منقول از امام صادق (ع) بیان شده که زیارت مرقد پیامبر (ص)، قبور شهیدان و مرقد امام حسین (ع) برابری می‌کند با به جا آوردن یک حج مقبول در معیت رسول خدا (وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۷۸).^۱ مرقد بزرگان دین نماد بهشت خدا: اینکه مرقد بزرگان دین همچون تکه‌هایی از بهشت خدایی در روی زمین است. پس هم زیارت آنها و هم آبادانی آنها بر مومنین فریضه‌ای دینی و الهی است. وجود چنین تلقی برای شیعیان موجب شده است که طی قرون متمادی گذشته، یکی از آرزوها و تلاش‌های عوام و حتی برخی خواص شیعه آن باشد که پس از مرگ، در جوار قبور یکی از ائمه یا امام زادگان مدفون گردند تا مشمول عنایات آن بزرگان دینی قرار گرفته، چه بسا وارد بهشت گردند.

۱. قال الصادق (ع): زیارة قبر رسول الله و زیارة قبور الشهداء و زیارة قبر الحسین تعدل حجة مبرورة مع رسول الله.

زیارت بهترین ابزار کسب منزلت اجتماعی: وجود انواع فراوان احادیث شیعی درباب فضیلت زیارت بزرگان مذهب شیعه و پیامبر اکرم (ص) و نشان دادن ثواب بی حد آن برای زائر، و تاکید بر ضرورت مداوم زیارت قبور بزرگان دین و آباد نگه داشتن آنها، به تدریج منجر به ظهور روش جدیدی برای کسب منزلت اجتماعی-دینی در جامعه مومنان شیعه شده است؛ به این معنا که هر کس زیارت خانه خدا یا مرقد پیامبر (ص) و بویژه زیارت کربلا و نجف را به تعداد بیشتری به جا آورده باشد، گویی مومن تر است و به بهشت خدا نزدیک تر، حتی اگر احیانا چنین فردی به دیگر واجبات دینی تقید چندانی نداشته باشد، چرا که التزام عملی او به زیارت مکرر قبور بزرگان دین موجب اعطای چنین شأن و منزلت دینی - اجتماعی به او گردیده است. پس بر مومنین فرض است که نسبت به ادای فریضه زیارت همت مضاعف داشته باشند و در این راه از مال و جان هزینه کنند، حتی اگرچه در دیگر شئون زندگی دینی خود چندان توفیقی نداشته باشند. گویی سبک زندگی شیعی بر ضرورت اجتماعی انجام مناسک زیارت تاکید خاصی دارد که به جا نیوردن آن موجب تنزل جایگاه فرد در میان شیعیان جامعه خود خواهد شد.

برتری زیارت بر دیگر وجوه و ابعاد دین: با نظر به دیدگاه دین شناسان معروف که حداقل هفت بُعد برای دین برمی شمارند که عبارتند از: ۱. بعد اعتقادی، ۲. بعد عبادی-مناسکی، ۳. بعد تجربی، ۴. بعد اخلاقی، ۵. بعد حقوقی-اجتماعی، ۶. بعد روایی-اسطوره ای، و ۷. بعد مادی (Smart, 1989, p 12-13)؛ گویی انبوه روایات منقول درباب زیارت در کتب روایی شیعه و گسترش ادبیات زیارت میان شیعیان طی قرون گذشته، به تدریج این تلقی را میان عوام و حتی برخی خواص شیعه موجب شده است که از میان وجوه و ابعاد دین، اینجا منظور مذهب شیعه، عمدتاً بُعد مناسکی مهم است. به عبارت دیگر، تاکید بر اهمیت بعد مناسکی و آئینی، نه لزوماً به معنای بی اعتباری دیگر ابعاد، بویژه ابعاد اعتقادی، اخلاقی و عبادی است، بلکه به معنای اولویت و اهمیت کارکردی بعد مناسکی است که موجب تولید ادبیات گسترده روایات و ساختن مرقدهای امامان و رواج سلوک دینی زیارت محور گردیده است. البته که یکی از نتایج مهم تقویت بعد مناسکی و آئینی شیعه، تقویت بعد مادی آن بوده است، یعنی

ساختن مرقد‌های امامان و امام زادگان که موجب ایجاد ساختار جدید دینی شده است. آموزه زیارت و مرکزیت دینی بزرگان دین: توجه خاص روایات منقول درباب زیارت، به لزوم زیارت قبور پیامبر اکرم (ص)، امامان شیعه (ع)، و امام زادگان، و اشارات مکرر و موکد بر ثواب بی حد انجام اعمال زیارت، ممکن است به تدریج منجر به تولید این تلقی گردد که آنچه در مذهب شیعه مهم است برقراری ارتباط معنوی با بزرگان دین است نه لزوماً تامل و تحقیق درباب چستی آموزه‌های اعتقادی. برای مثال، برای زائر امام حسین (ع) ممکن است به تدریج این تلقی جا بیفتد که آنچه مهم است زیارت مرقد او و منافع کثیری است که از زیارت و حتی گریه بر او در قالب شفاعت نصیب زائر می‌گردد، چه بسا چنین زائری درباره‌ی اینکه علت و هدف قیام و شهادت امام برای آزادی و عدالت و ظلم ستیزی معطوف بود، دغدغه‌چندانی نداشته باشد. زیرا عمده‌ی احادیث منقول کتب روایی شیعه بیشتر از اینکه بر آموزه‌های اصلی قیام سیدالشهدا تمرکز کنند، بر زیارت مرقد او، گریستن برای شهادت و زنده نگه داشتن یاد او و نهایتاً ثواب عظیم چنین بزرگداشتی تاکید دارند.

مجموعه موارد مذکور نشان می‌دهد آموزه‌ی زیارت و مناسک مربوط به آن به تدریج و طی قرون گذشته بخش بسیار بزرگی از حیات دینی و معنوی عوام و حتی برخی خواص شیعیان را به خود اختصاص داده است. مواردی چون بنای مرقد بزرگان دین، مدیریت و ساماندهی به امور آن، ایجاد سازوکاری برای تشویق زائران به تداوم زیارت قبور بزرگان دینی، مسأله‌تولیت مرقد امامان و امام زادگان، مسأله‌وقف و درآمدهای مادی چنین مکان-های دینی، ایجاد گردشگری دینی و زیارتی و مسائل پیرامون آن، بکارگیری گسترده‌ی دستگاہ تبلیغ دینی شیعه برای گسترش فرهنگ زیارت و نظایر آنها تنها نمونه‌های قابل ذکر هستند. این وضعیت، ضمن اینکه دارای مزایای خاص خود است، از مشکلات بزرگی نیز رنج می‌برد که در ادامه به آسیب‌شناسی وجوه مختلف آن پرداخته خواهد شد.

وجوه آسیب‌شناختی روایات باب زیارت

اقبال عمومی و گسترده‌ی مردم شیعه به آموزه‌ی زیارت و بسط و رای انتظار آن در ادبیات دینی شیعه و حمایت همه‌جانبه‌ی علمای دین از رشد چنین فرهنگی، در درون خود، هم با منطق الهیات شیعی سازگاری چندانی ندارد و هم موجب تبعات ناگواری برای دینداری و شاکله

معرفت دینی شیعی شده و خواهد شد، که در ادامه برخی از آنها بیان می‌گردد:

عدم سازگاری با ساختار شبکه الهیات شیعی

نکته اول اینکه آنچه درباره آموزه زیارت و حواشی آن در جهان تشیع رخ داده با منطق شبکه الهیات شیعی سازگار نیست. در توضیح این مساله باید گفت همان‌طور که می‌دانیم، آموزه زیارت، به جز زیارت خانه خدا البته با شرایطی خاص، آموزه واجب نیست، بلکه امر مستحبی است که البته ثواب اخروی دارد. در حالیکه امر زیارت در ساختار شبکه الهیات شیعی، نه تنها قابل گنجاندن میان آموزه‌های اعتقادی بنیادی یا میانی نیست، بلکه آموزه‌ای حاشیه‌ای و فرعی است که وجوبی بر آن مترتب نیست. ضمن اینکه خود این آموزه، بر آموزه‌های مهم و اساسی چون توحید، نبوت، معاد، امامت و نظایر آن مبتنی است و همان‌طور که در قرآن و برخی روایات هم بیان شده از شعائر الهی است نه از اعتقادات، چرا که اعتقادات زیربنای شعائر الهی هستند. اما بسط تاریخی نامتعارف و افراطی مناسک زیارت در جوامع شیعی و حمایت بیشتر علمای دین از چنین پدیده‌ای، موجب نادیده گرفتن یا غفلت زائران از اهمیت آموزه‌های اعتقادی و تمرکز ذهنی بر انجام مناسک زیارت گردیده است. گویی اساس شیعه بودن، یعنی به جا آوردن زیارت مرقد‌های امامان شیعه (ع) و اظهار ارادت به آنهاست نه توجه به نظام اعتقادات شیعی. به عبارت دیگر، در شبکه الهیاتی شیعی، آنچه مقدم است ابتدا اعتقادات، سپس اخلاق دینی، و نهایتاً احکام و مناسک عبادی و شعائری است، یعنی حجیت و ارزش احکام و مناسک عبادی و شعائری، بویژه نوع مستحبی آن، موقعی قابل پذیرش است که بر اعتقادات و اخلاق دینی وابسته باشند، اما آنچه در جامعه شیعی رخ داده به تدریج تقدم و اولویت و حتی اصالت مناسک زیارت را، که مستحب نیز هستند، بر دو بخش نظام اعتقادات و اخلاق دینی نشان می‌دهد.

اغراق و افراط در باب ارزش آموزه زیارت

مشکل دومی که برای آموزه زیارت در ادبیات شیعی پدید آمده است، افراط و اغراق در باب نتایج دنیوی و اخروی آن است. تاکیدات احادیث منقول (فارغ از اعتبار سندی آنها) بر امکان بخشش همه گناهان زائر مرقد یکی از بزرگان دین، و وجوب بهشت بر او، یا نتایج نامحدود

سفر برای زیارت قبور آنها، نه تنها با منطق قرآن ناسازگار است، بلکه موجب بی‌ارزش شدن نظام اعتقادی و اخلاق دینی هم می‌شود. اگر واقعا فقط با انجام یکی دو زیارت قبور بزرگان دین، می‌توان همه گناهان را تسویه نمود و بهشت را تقریباً با کمترین زحمت به دست آورد، دیگر چه نیازی هست تا مشکلات و سختی‌های زندگی مبتنی بر اخلاق دینی، التزام به عبادات شرعی و تلاش برای فهم اعتقادات را بپذیریم. وقتی مسیری بسیار راحت و میان‌بر، مانند زیارت، برای رستگاری مومنان وجود دارد چرا آن‌همه تلاش و کوشش‌های سخت دینی را انتخاب کرده و تحمل کنیم. در واقع، در این مورد مشکل اصلی آموزه زیارت رواج یافته در ادبیات شیعی، آن است که میان زحمتی و سختی که زائر برای انجام عمل زیارت متحمل می‌شود با نتایجی که حاصل می‌کند هیچ تناسب منطقی وجود ندارد، چرا بایستی با صرف یک زیارت، حتی با معرفت، امکان بخشیده شدن همه گناهان زائر فراهم گردد، ولی چنین نتیجه‌ای حتی برای دیگر فرایض واجب دینی، چون نماز، روزه و زکات، در نظر گرفته نشده است، در حالیکه زیارت در زبان دین به مثابه عملی مستحبی، ولی آنها بعنوان عملی واجب معرفی شده‌اند. پرسش اصلی آن است که در نتیجه زیارت قبور یکی از بزرگان دین، حتی با معرفت به حق و جایگاه او، چه تحولی در شخصیت اخلاقی و دینی زائر رخ می‌دهد که ممکن نیست یا بسیار کم محتمل است که در نتیجه شناخت اعتقادات و التزام به واجبات دینی رخ دهد؟ چرا بایستی نتایج مترتب بر زیارت، بعنوان یک عمل مستحب دینی بسیار فراگیرتر و برتر از نتایج مترتب بر نظام اعتقادات، اخلاق و التزام به واجبات دینی باشد؟

کم ارزش شدن دیگر عناصر نظام اعتقادی و احکام و اخلاق

از نتایج دیگر رشد نامتعارف آموزه زیارت کاستن از مقام و ارزش نظام اعتقادات و اخلاق و حتی احکام عبادی چون نماز و روزه است. اینجا منظور فزونی ثواب یا نتایج نامحدود زیارت نسبت به آنها نیست، بلکه منظور رشد این نگرش غیرمنطقی و خلاف متن دین است که گویا در الهیات شیعی، آنچه اصل است زیارت مرقد بزرگان است و چه بسا دیگر بخش - های اعتقادی و اخلاقی و عبادی دین هم از این طریق کسب اعتبار کنند. چنین نگرشی در واقع منجر به خارج کردن آموزه‌های اصلی دینی از جایگاه‌شان و تهی کردن آنها از کارکرد اصلی‌شان می‌شود. در اینصورت نظام اعتقادات و اخلاق دینی نه تنها مقدم بر آموزه زیارت

نیستند، بلکه صرفاً برای توجیه دینی فرهنگ زیارتی به کار می‌روند که خواسته یا ناخواسته در جامعه بطور غلو آمیزی رشد کرده است؛ در واقع جای خادم و مخدوم تغییر می‌کند؛ به این معنا که به جای اینکه زیارت بعنوان یکی از شعائر الهی در خدمت تقویت نظام اعتقادات و اخلاقی دینی و احکام عبادی باشد، آنها برای توجیه دینی و رونق بخشی به مناسک زیارت بکار گرفته می‌شوند.

ترویج رویکرد کاسبکارانه به دین

از بزرگترین مشکلات مسأله زیارت در جامعه شیعی نقش پررنگ آن در ترویج رویکرد کاسبکارانه به دین است. اگر واقعا با یکی دو مورد انجام اعمال زیارت، همه گناهان بخشیده می‌شود و بهشت بر ما واجب می‌گردد، دیگر چه نیازی به تعهد و تقید به اعتقادات، اخلاقیات و عبادات دینی است. در واقع تقید نیم‌بند به اعتقادات و اخلاقیات و عبادات دینی کافی است، زیرا این امکان برای همه دینداران فراهم است تا مکرراً به زیارت قبور بزرگان دین رفته، خود را از انواع گناهان به دفعات متعدد تطهیر کرده، و به دفعات مکرر بهشت را بر خود واجب گردانند. اگر هم گناهی مرتکب شدند، بدون اینکه لزوماً برای جبران آن تلاش کنند، دوباره امکان زیارتی دیگر و پاک کردن آن گناه فراهم است. پس ممکن است در نگاه خیلی از عوام مردم این تلقی ایجاد شود که باکی از گناه کردن و آلوده شدن به گناه نیست، چون دستگاه تطهیر گناهان توسط بزرگان دین، در قالب مناسک زیارت، باز است و هر آن می‌توان نسبت به پاک‌سازی گناه مربوطه اقدام کرد. در اینصورت، دین ابزار سوء استفاده دینداران، و بزرگان دین، مانند پیامبر (ص)، امامان (ع) یا امام زادگان، ابزار سوء استفاده دینداران می‌گردند، به این معنا که عمده دینداران طالب این نیستند که حقیقت دین چیست یا فلسفه رسالت پیامبر (ص) و امامت امامان شیعه (ع) چیست؟ از دید آنها کارکرد و فایده حاصل از وجود بزرگان دین عمدتاً در ثواب معنوی، شفاعت، برآوردن حاجات معنوی یا مادی یا نظایر آن خلاصه می‌شود نه اینکه امام یا پیامبر مُبلغ و تفسیرکننده دین و عامل به راه رستگاری و نجات است؛ که در ادامه توضیح داده می‌شود.

تمرکز بر صفات عرضی بزرگان دین

از دیگر نتایج افراط در امر زیارت غفلت از صفات اصلی بزرگان دین (پیامبر (ص) و امامان شیعه (ع)) و تمرکز دینداران بر صفات و کارکردهای فرعی و عرضی آنهاست. توضیح اینکه صفت اصلی پیامبر (ص) و امامان (ع) ابلاغ دین، ارائه تفسیر درست از دین و عمل به احکام الهی است. صفات دیگری چون دوست داشتن پیروان، شفاعت آنها، برآوردن حاجات آنها و نظایر آن، را می‌توان از زمره صفات عرضی و فرعی آنها برشمرد (قربانی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۶-۱۴۰). در واقع هدف اصلی آمدن پیامبران و امامان شیعه، بیان پیام دین و راهنمایی ما به صراط مستقیم است، نه اینکه مشغول شفاعت از ما یا برآوردن حاجات و نیازهای ما باشند. بلکه صفات عرضی آنها از محسنات و فواید پیامبران و امامان هستند نه از وظایف و کارکردهای اصلی آنها. اما متأسفانه رویکرد غلوآمیز و فربه شدن امر زیارت در الهیات شیعی به این نتیجه نامیمون منجر شده که عمده شیعیان به جای توجه و تمرکز بر هدف و رسالت و کارکرد اصلی پیامبر (ص) و امامان (ع)، عمدتاً دلمشغول فایده‌جویی و جنبی و عرضی وجود آنها، در قالب دریافت شفاعت، توسل به آنها برای برآوردن حاجات دنیوی و اخروی و نظایر آن هستند. این مشکل با مشکل دیگری پیوند خورده است و آن تغییر یا چرخش تدریجی، حداقل برای عوام شیعه، از آموزه محوری (یا حقیقت محوری) به امام محوری (یا شخص محوری)، در طول تاریخ ۱۴ قرن الهیات شیعه است. توضیح اینکه با وجود اینکه اساس الهیات شیعه توجه و تمرکز بر آموزه امامت است، اما به تدریج، الهیات شکل گرفته، بویژه میان عوام و برخی خواص شیعه، تمرکز خود را از آموزه امامت به شخص امام تغییر داده است؛ به این معنا که برای عموم شیعیان صفات شخصی امامان بیشتر محل توجه است تا اینکه این پرسش طرح شود که رسالت آنها چه بوده یا واجد چه پیامی بوده‌اند؟ این چرخش و گشت تاریخی - الهیاتی از آموزه امامت به امام محوری، با توجه به شهادت و در دسترس نبودن آن بزرگان، به تدریج به ظهور این تلقی منجر شده است که در غیاب آن بزرگان، بهترین راه، زیارت آنها و بهره‌مندی از مزیای معنوی و احیانا مادی و اجتماعی چنین عملی است.

گسترش غیرمنطقی قلمرو امر مقدس

از نتایج ناگوار تاکید افراطی بر آموزه زیارت گسترش قلمرو امر مقدس و مشکلات مربوط

به آن است. در این زمینه بطور خاص می‌توان به تعداد قابل توجه و حتی فزاینده امام زادگان در ایران اشاره کرد که رابطه معنوی مردم شیعه با آنها عمدتاً در قالب مناسک زیارت قابل بررسی است. متأسفانه هنوز هم مشخص نیست که آیا همه مکان‌هایی که بعنوان امام‌زاده معرفی شده‌اند، واقعا از خانواده امامان هستند یا نه؟ و تلاش درخوری هم در جهت سنجش اعتبار نسبت داده شده به آنها دیده نمی‌شود، حتی با فرض اینکه برخی از آنها از عقباب و فرزندان نسل‌های بعدی اهل بیت پیامبر و امامان شیعه باشند، باز به نظر نمی‌رسد صرف وابستگی خونی به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) یا امامان شیعه (ع) دلیل تقدس آنها و لزوم زیارت و انجام مناسک مربوطه را فراهم سازد. چه‌بسا آنها هم مردمانی معمولی چون دیگر افراد جامعه بودند، که در اینصورت چنین بزرگداشتی از آنها توجیه منطقی ندارد، مگر اینکه مواردی استثنایی وجود داشته باشد که بایستی با استدلال اثبات گردد. نکته دوم گسترش مکانی حرم امامان و امام زادگان است که موجب گسترش قلمرو فضایی می‌شود که مقدس فرض می‌شد، یعنی مکانی که قبلاً خارج از قلمرو حرم بود، اکنون که جزء آن قرار گرفته، دارای تقدس گردیده است، که اعطای چنین تقدسی به مکانها و اشیاء محل تامل است. همچنین گسترش اقبال به رویاها و خواب‌ها و اعتماد به آنها و تقدس‌بخشی به آنها از نتایج رویکرد افراطی به امر زیارت است.

ممانعت از خودسازی و ترویج رخوت دینی

مجموعه موارد بیان شده درباره گسترش غیرمنطقی ادبیات زیارت در جامعه شیعی، منجر به ترویج دینداری مناسکی غلوآمیز و عوامانه و نادیده گرفتن اهمیت نظام اعتقادات و اخلاق دینی و عبادات و بویژه ظهور رخوت دینی در دینداران و ممانعت از خودسازی دینی می‌گردد. به بیان روشن‌تر، دل‌خوش شدن دینداران به تامین عمده نیازهای معنوی‌شان از دین از طریق مناسک زیارت، موجب عدم توجه به خودسازی اعتقادی و اخلاقی و سستی در انجام عبادات و امثال آنها می‌گردد؛ چرا که چنین دیندارانی دارای این تلقی می‌شوند که آنچه موجب رستگاری آنهاست عمدتاً از طریق زیارت قبور بزرگان دین حاصل شدنی است. در نتیجه رخوت و سستی در دین‌ورزی از پیامدهای واقعی چنین نوع دینداری است. همچنین

اقبال به دینداری عوامانه، یعنی دل مشغول شدن به بُعد مناسکی دین و غفلت از دیگر ابعاد آن، بویژه اعتقادات و اخلاق و عبادات را هم در پی دارد. این مشکل نهایتاً به اباحی‌گری دینی هم منجر خواهد شد.

راه کار پیشنهادی

با توجه به مجموعه مشکلاتی که درباره رویکرد افراطی و غلوآمیز به آموزه زیارت بیان گردید، در ادامه به برخی راه کارهای پیشنهادی برای تعدیل و مدیریت آن اشاره خواهد شد.

بازتعریف جایگاه معرفتی و الهیاتی زیارت در شبکه الهیات شیعی

مهم‌ترین گام در فرایند اصلاح فرهنگ زیارت در الهیات شیعی، تلاش عالمان دل‌سوز در بازتعریف جایگاه معرفتی و الهیاتی آموزه زیارت است. علت این ضرورت خروج آموزه زیارت از جایگاه حقیقی خود و ایفای نقش دیگر اصول اعتقادی توسط آن است. در این زمینه بایستی از طریق بازتعریف آموزه زیارت نشان داده شود که آن، آموزه‌ای فرعی و حاشیه‌ای در شبکه الهیات شیعی، و عملی مستحبی است که البته مترتب ثواب فراوان است. اهمیت این بازتعریف نشان دادن این واقعیت است که شناخت و التزام دینداران ابتدا بایستی معطوف به نظام اعتقادات، اخلاق دینی و سپس عبادات واجب باشد و چنانچه فرصتی یا فراغتی ایجاد شد، البته پرداختن به زیارت مرقد بزرگان دین هم امر مستحبی شایسته‌ای است.

رفع تعارض‌های روایات زیارت با آیات قرآن و اصول عقلائی

متأسفانه حجم بسیار گسترده روایات منقولی وجود دارند که تاکنون مورد مطالعه انتقادی و محققانه قرار نگرفته‌اند. در این زمینه شایسته است، ابتدا چنین روایاتی با معیار عقل، سپس معیار قرآن، و نهایتاً با معیار برخی روایات مسلم قابل قبول عقل سنجیده شود. علت تأکید بر اهمیت این سه معیار روشن است: عقل سلیم به راحتی توانایی سنجش درستی و نادرستی بسیاری از روایات باب زیارت را دارد. در قرآن هم آیاتی وجود دارد که محتوای آنها با مدعیات و مضمون بسیاری از روایات باب زیارت سازگاری ندارد. برای نمونه آیات: ۱۸ و

۲۰. سوره جن؛^۱ سوره احقاف؛^۲ ۵۶ و سوره اسراء؛^۳ ۱۴ سوره فاطر؛^۴ ۲۰ و ۲۱ سوره نحل،^۵ بر صرف درخواست حاجات ما از خدا، نهی ما از سوی خدا برای خواندن و حاجت طلبیدن از غیر خدا، اینکه شفاعت فقط به امر و اذن الهی است، اینکه اموات قدرت پاسخ گویی به درخواست ها و حاجات ما را ندارند، دلالت دارند. ضمن اینکه برخی روایات منقول از امام علی (ع) وجود دارند که با منطوق کلی آیات مذکور سازگاری دارند.^۶ حال باید دید تاکید فراوان روایات درباب زیارت بر برآوردن حاجات زائران و بخشش همه گناهان آنها و وجوب بهشت بر آنها به خاطر زیارت، چگونه با چنین آیتی سازگاری دارند؟ همچنین روایات مهمی از پیامبر اسلام (ص) و امامان شیعه وجود دارند که اعتبار روایات منقول از خود را انطباق آنها با قرآن می دانند، مانند سخن پیامبر (ص) در منا که سخنرانی کرد و فرمود: «ای مردم! آنچه از جانب من به شما رسیده و موافق قرآن بود، من آن را گفته ام و آنچه به شما رسید و با کتاب خدا مخالف بود، من آن را نگفته ام» (من لایحضره الفقیه، ح ۵۱۷).^۷ ایشان همچنین فرموده است: «حدیثی را که به ما نسبت داده می شود، نپذیرید، مگر

۱. وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (جن، ۱۸ و ۲۰).

۲. وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنِ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ (احقاف، ۵).

۳. قُلْ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا؛ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (اسراء، ۵۶ و ۵۷).

۴. إِنْ تَدْعُوهُمْ لَّا يَسْمَعُوا دَعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ (فاطر، ۱۴).

۵. وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ؛ أَمْوَاتٌ غَيْرٌ أَحْيَاءُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ (نحل، ۲۰-۲۱).

۶. فَهَمَّ جِبْرَةُ لَّا يُجِيبُونَ دَاعِيًا وَلَا يَمْتَنُونَ ضَيْمًا وَلَا يَبَالُونَ مَنَدَبَةً، إِنْ جِيدُوا لَمْ يَفْرَحُوا وَإِنْ قُحِطُوا لَمْ يَقْنَطُوا، جَمِيعٌ وَ هُمْ أَحَادٌ وَ جِبْرَةُ وَ هُمُ أَعْبَادُ، مُتَدَانُونَ لَّا يَتَزَاوَرُونَ / همسایگانی که به ندای همسایه خود پاسخ ندهند و ستمی را از آنان رفع نمایند و به زاری نوحه گران التفاتی نکنند. اگر باران ببارد شادمان نمی شوند و اگر قحط آید نومید نمی گردند.

مجمع اند و تنهائند، همسایه اند و از هم دوراند، نزدیکان اند و به دیدار یکدیگر نروند، خویشاوندان یکدیگرند و اظهار خویشاوندی نکنند. مردمی بردبارند، کینه هایشان از میان رفته است و بی خبرانند و خصوصت هایشان مرده است.

۷. ينظر فما وافق حكمه الكتاب و السنة و خالف العامة فيؤخذ به و بترك ما خالف حكمه حكم الكتاب و السنة و وافق

آنچه با قرآن و سنت موافق باشد یا شاهی از احادیث پیشین ما بر آن بیاید» (من لایحضره الفقیه، ح ۵۳۴).^۱ نیز گفته‌اند: «آنچه را موافق کتاب خدا بود بپذیرید، و آنچه را مخالف کتاب خدا بود رد کنید» (وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۷۸).^۲

حال با وجود چنین معیارهای سه گانه بایستی با اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به پالایش ادبیات روایی شیعه درباب زیارت، تلاش مضاعفی بکار بست تا موجب خسارت بیش از پیش برای الهیات شیعه نشود.

بررسی انتقادی مجموعه روایات درباب زیارت در کتب روایی شیعه

اقدام مهم بعدی اتخاذ رویکرد انتقادی به مجموعه روایات درباب امر زیارت در کتب حدیثی و روایی شیعه است؛ به این معنا که صرف وجود روایتی در چنین منابعی، دلیل بر اعتماد بر حجیت سندی و پذیرش عقلی آن نیست، بلکه همه اینگونه روایات بایستی با معیارهای انتقادی سختگیرانه مورد ارزیابی دوباره قرار گیرند و تنها روایاتی پذیرفته شوند که هم با منطق قرآن و عقل قابل پذیرش بوده، هم با دیگر روایات درباب نظام اعتقادی شیعه در تعارض و تزاخم نباشند. اهمیت اتخاذ این رویکرد از این جهت است که متأسفانه ادبیات کتب روایی شیعه مملو از روایات متعددی است که به نظر می‌رسد تاکنون به لحاظ اعتبار سندی و منطق پذیرش عقلانی و مطابقت با قرآن، از سوی علمای شیعه و اندیشمندان دغدغه‌مند، مطالعه انتقادی اساسی‌ای درباب آنها انجام نشده است؛ لذا گسترش استفاده از چنین روایاتی، بویژه درباب آموزه زیارت، موجب رشد رویکرد غلوآمیز شده، و آسیب‌های جدی بر اعتبار، ارزش و کارآیی و منطق الهیات شیعه وارد می‌سازد.

اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به امام‌زادگان و تقدس آنها

علت پیشنهاد اتخاذ رویکرد انتقادی نسبت به امام‌زادگان و تقدس نسبت داده شده به آنها، ابهام در صحت انتساب بسیاری از آنها به خاندان اهل بیت است. چه بسا بسیاری از آنها به

۱. اذا ورد علیکم حدیث فوجدتم له شاهداً من کتاب الله او من قول رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و الا فالذی جاءکم به اولی به.

۲. ما وافق کتاب الله فخذوه، و ما خالف کتاب الله فدعوه.

لحاظ تبارشناسی نه تنها از ذریه پیامبر اسلام (ص) و امام شیعه (ع) نباشند، بلکه از سرداران عربی باشند که به واسطه ارتکاب جنایت‌هایی در ایران و ترس از اینکه پس از مرگ‌شان ممکن است نبش قبر شوند و جسم‌شان مورد آسیب مردم قرار گیرد، خود را از ذریه اهل بیت معرفی کرده‌اند تا از چنین آسیب‌های احتمالی پس از مرگ مصون باشند و چه بسا تقدس هم بیابند. همچنین منطقی عقل حکم می‌کند که صرف اینکه تعداد زیادی از اعراب مدفون در ایران از نسل چندم پیامبر (ص) یا امامان شیعه (ع) باشند، موجب تقدس بخشی به آنها نیست؛ البته محترم هستند. همانطور که دیگران هم به حکم انسانیت و اخلاق دینی محترم هستند، بلکه بایستی صرفاً آن دسته از امام زادگان بیشتر گرامی داشته شوند که یا در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی نقش موثری داشته‌اند یا در مبارزه با ظلم و گسترش عدالت سهیم بوده‌اند. ضمن اینکه تعدد امام زادگان بدون بکارگیری معیارهای دقیق برای سنجش اعتبار آنها موجب اعطای کرامات و تقدس‌های دروغین به آنها توسط مردم می‌گردد که چنین رویه‌ای با دینداری عوامانه و بعضاً خرافات مربوط به آن پیوند دارد.

دعوت زائران به آموزه‌های الهیاتی درست درباب زیارت

یکی دیگر از راه کارها دعوت عموم شیعیان، بویژه زائران به آموزه‌های درست الهیاتی است؛ به این معنا که زائران بدانند وظیفه صرف آنها زیارت مرقد امامان و دریافت ثواب‌های هنگفت و شفاعت‌های بی‌شمار نیست، بلکه در الهیات اصیل شیعی هر مؤمن شیعه نسبت به اهل بیت، بویژه امامان (ع) و پیامبر اکرم (ص) سه وظیفه دینی مهم دارد که به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. شناخت آنها و رسالتی که برعهده دارند؛

۲. عمل به دستورات آنها که ناشی از فهم بهتر آموزه‌های دینی توسط آنهاست؛

۳. دوست داشتن یا اظهار محبت به آنها.

شناخت این سه وظیفه توسط مؤمنان شیعه، یعنی دعوت به این امر مهم که آموزه محوری، (یعنی حقیقت و خدا و در مورد خاص شیعه امامت) مهم‌تر و مقدم‌تر بر شخص محوری (یعنی امام یا پیامبر) است. متأسفانه عموم عوام شیعه، عمدتاً دل‌مشغول به وظیفه سوم، یعنی اظهار

محبت به امامان شیعه هستند آنهم بیشتر به خاطر ثواب کثیر و شفاعت‌های مورد نیاز؛ یعنی تقریباً رویکرد کاسبکارانه به بزرگان دین دارند. در حالی که اگر اظهار محبت به امامان شیعه (ع) و پیامبر اکرم (ص) مبتنی بر عدم شناخت درست شخصیت آنها و ماهیت رسالت‌شان و عمل نکردن به دستورات‌شان باشد، چه بسا نتیجه عکس بدهد؛ یعنی به نتایجی چون سبک شمردن احکام دین، اغراق، غلو و افراط در باب منزلت امامان، عدم تقید به فضایل و فرائض اخلاقی، دینی و غیره منجر گردد. به همین دلیل بر اندیشمندان آگاه شایسته است که بر مؤمنان شیعه متذکر شوند که تلاش برای کسب معرفت در باب اعتقادات، عمل به احکام واجب دینی و اخلاقی زیستن، نه تنها واجب هستند بلکه مقدم بر فریضه زیارت و بسیار بالاتر و برتر از آن هستند، چه بسا زیارت آن مؤمنی پذیرفته است که ابتدا به معارف دینی و فضایل اخلاقی و فرائض دینی آراسته باشد. ضمن اینکه هدف اصلی از انجام اعمال زیارت صرف اظهار محبت به بزرگان دین نیست، بلکه مقدم بر آن، آموزه زیارت دال بر تلاش زائر برای شبیه شدن به بزرگان دین در اعتقادات، اخلاق و احکام دینی است.

اصلاح رویکرد مدح‌آمیز به اهل بیت

اگرچه اظهار محبت به ائمه شیعه و بزرگان دین از آموزه‌های دینی ماست که عمدتاً در قالب مدح آنها نمودار می‌گردد. اما عدم رعایت تقدم شناخت آنها و عمل به دستورات‌شان نسبت به مدح آنها، موجب اغراق و افراط در مدح آنها می‌گردد. در اینجا یادآوری این مهم شایسته است که آنچه اساس الهیات شیعه را بنیان می‌نهد آموزه امامت است نه شخص امامان؛ بلکه آنها از آن جهت اهمیت می‌یابند که حامل و عامل و تبیین‌کننده آموزه امامت هستند. پس شناخت و عمل به آموزه‌های معرفی شده توسط امامان، مقدم بر مدح آنهاست. ضمن اینکه مدح آنها هم بایستی در راستای دعوت به پیروی از سیره و سنت آنها باشد، و گرنه صرف مدح امامان، بدون نتیجه مذکور نه تنها مفید فایده‌ای نیست، بلکه منجر به مداحی غلوآمیز و خارج از منطق دین شده و آسیب‌های بعضاً جبران‌ناپذیری برای الهیات شیعه دارد که متأسفانه در شرایط کنونی با چنین آسیبی مواجه هستیم.

نتیجه گیری

بسط تاریخی الهیات شیعی طی ۱۴ قرن گذشته نشان می‌دهد که در کنار جریان‌های اصلی جوامع شیعی، رویکرد افراطی و غلوآمیز به پدیده زیارت نیز مطرح بوده است. با وجود تلاش‌های علمای دین در باب اصلاح ادبیات روایی و آموزه زیارت و هم در باب اصلاح رفتار و دینداری مردم شیعه، تاکنون موفقیت قابل توجهی کسب نشده است. متأسفانه، امروزه ما در جوامع شیعی با واقعیت رویکرد غلوآمیز و افراطی به پدیده زیارت مواجه هستیم که این امر هم توسط جامعه مداحان و روضه‌خوانان تبلیغ و حمایت می‌شود و هم ذائقه دینداری عوام با آن سازگار است. آسیب‌های اساسی بسط فزاینده چنین رویکردی به آموزه زیارت، ضمن ناکارآمد کردن دیگر اضلاع و ابعاد الهیات شیعی، مانند اعتقادات، اخلاق دینی و واجبات، موجب تغییر کارکرد الهیات شیعی و اتخاذ کارکردی کاریکاتوری برای آن خواهد شد که در آن همه هویت و کارکرد الهیاتی شیعه بر اساس آموزه فرعی و حاشیه‌ای و مستحب زیارت تعریف خواهد گردید. براین اساس بر عالمان و اندیشمندان دردمند شایسته است که فارغ از ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و غیره، بر بازخوانی جایگاه درست آموزه زیارت در شبکه الهیات شیعی همت گمارند و برای مردم آشکار کنند که شناخت و تعهد و التزام به نظام اعتقادات و اخلاق دینی و عبادات، واجبی مقدم‌تر و اساسی‌تر از اهتمام به آموزه زیارت هستند. و لازم است تا جامعه مؤمنان در کنار آموزه زیارت، به اصلاح اعتقادات، اخلاقی زیستن و عمل به واجبات و دوری از محرّمات توجه بیشتری داشته باشند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر تسنیم، نشر اسراء، قم.

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، مؤسسة آل البيت، قم.

سبحانی، جعفر (۱۳۶۴)، آئین وهابیت، دفتر انتشارات اسلامی، قم.

شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین حوزه علمیة قم، قم.

شیخ صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۶)، ثواب الاعمال، نشر دارالرضی، قم.

صادقی تهرانی، محمد (۱۴۱۹)، البلاغ فی تفسیر القرآن با القرآن، مؤلف، قم.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰)، شیعه در اسلام، بوستان کتاب، قم.

قربانی، قدرت الله (۱۳۹۶)، عقلانیت شیعی و نهضت عاشورا، نشر ریسمان، ایلام.

کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۷)، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

Smart, Ninian (1989), The World Religions, The United Kingdom, Cambridge University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی